

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) «أَيْحَسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُؤدِيَّ»: «آیا گمان می‌شود که انسان پوچ و بیهوده رها می‌شود؟»

(۲) إزدادت هذه الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور!: این خرافات در گذر دورانها دین‌های مردم را افزایش داده است!

(۳) شعائر تقدیم القرابين للآلهة لتجنّب شرّها كانت خرافيّة!: مراسم تقدیم کردن قربانی‌ها به خدایان برای دور کردن شرّشان خرافاتی بود!

(۴) إلهی قد ملأت صدري انشراحاً و فمی بالبسمات!: خدایا سینه‌ام را از شادمانی و دهانم را با لبخندها پر کرده‌ای!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ترجمه صحیح: «آیا انسان می‌پندارد که پوچ و بیهوده رها می‌شود؟»

گزینه (۲): «إزدادت»: افزایش یافت

گزینه (۳): «تجنّب»: دوری کردن

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«كَانَ النَّاسُ يَطْلُبُونَ مِنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ الَّذِي خَيَّرَهُ اللَّهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ أَوْ هِدَايَتِهِمْ، أَنْ يَدِيرَ شُؤْنَهُمْ!»:

(۱) مردم از ذوالقرنین که خدا به او در این که با مشرکان بجنگد یا هدایتشان کند اختیار داد، خواستند که کارهایشان را اداره کند!

(۲) مردم بودند که از ذوالقرنین می‌خواستند تا کسی را که خدا در جنگیدن با مشرکان به او اختیار داده، هدایت کند و امورشان را اداره کند!

(۳) مردم از ذوالقرنین که خدا به او در جنگیدن با مشرکان یا هدایت کردنشان اختیار داد، می‌خواستند که کارهایشان را اداره کند!

(۴) خواسته مردم از ذوالقرنین که خدا به او در این که با مشرکان بجنگد یا آنها را هدایت کند اختیار داد، این بود که کارهایشان را اداره کند!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «کان ... یطلبون»: می‌خواستند / «خیر»: اختیار داد / «مُحَارَبَةُ»: جنگیدن

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): خواستند («کان ... یطلبون» ماضی استمراری است).

گزینه (۲): بودند («کان» در ساختار «کان + فعل مضارع» ترجمه نمی‌شود).

گزینه (۴): خواسته مردم این بود (مردم می‌خواستند) / بجنگد (جنگیدن) / هدایت کند (هدایت کردن)

عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«الحرباء تُدِير عَيْنَيْهَا وَالبومة لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنَهَا وَ لَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا!»:

(۱) آفتاب پرست چشمانش را می چرخاند و جغد چشمش را حرکت نمی دهد ولی این نقص را با حرکت دادن سرش جبران می کند!

(۲) آفتاب پرست چشمانش می چرخد ولی جغد چشمانش حرکت نمی کند و این نقص را با حرکت دادن سرش جبران می کند!

(۳) آفتاب پرست چشمانش را می چرخاند و جغد چشمش حرکت نمی کند ولی این عیب را با حرکت دادن سرش جبران می کند!

(۴) آفتاب پرست چشمانش می چرخد و جغد چشمش را حرکت نمی دهد ولی این عیب با حرکت سرش جبران می شود!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «تُدِير»: می چرخاند / «عَيْنَيْهَا»: چشمانش (عَيْنِینِ + ها) / «لَا تَتَحَرَّكُ»:

حرکت نمی کند / «تُعَوِّضُ»: جبران می کند

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه (۱): حرکت نمی دهد (حرکت نمی کند)

گزینه (۲): می چرخد (می چرخاند) / ولی ... و (و ... ولی، «ولی» جابه جا ترجمه شده است.) / چشمانش (چشمش)

گزینه (۴): می چرخد (می چرخاند) / حرکت نمی دهد (حرکت نمی کند) / جبران می شود (جبران می کند)

عَيْنَ الْأَصْحٰحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«قد أمرنا أن نُصلِحَ شؤنَ النَّاسِ فِي مَدِينَةِ يَحْكُمُهَا مَلِكٌ ظَالِمٌ!»:

(۱) دستور داده شده‌ایم که کارهای مردم را در شهری که پادشاهی ستمگر بر آن حکومت می‌کند، اصلاح نماییم!

(۲) به ما دستور داده‌اند که کارهای مردم در شهری که پادشاهی ظالم حاکمش است اصلاح گردد!

(۳) امر شده‌ایم که اوضاع مردم را در شهری که پادشاهی بسیار ستمگر بر آن حکمرانی می‌کند، سروسامان دهیم!

(۴) دستور داده‌ایم که کارهای مردم در شهری که پادشاهی ظالم دارد، اصلاح شود!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمهٔ کلمات مهم: «قد أمرنا»: دستور داده شده‌ایم / «أن نُصلِحَ»: که اصلاح کنیم /

«یحکمها»: بر آن حکومت می‌کند

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): به ما دستور داده‌اند (دستور داده شده‌ایم، «أمرنا» مجهول است.) / حاکمش است (بر آن حکومت می‌کند،

«یحکم» فعل است.) / اصلاح گردد (اصلاح کنیم، «نُصلِحَ» فعل معلوم و متکلم مع‌الغیر است.)

گزینه (۳): اوضاع (کارها) / بسیار ستمگر (ستمگر، «ظالم» اسم فاعل است و در ترجمه‌اش «بسیار» را نمی‌آوریم.)

گزینه (۴): دستور داده‌ایم (مانند گزینه ۱) / دارد (بر آن حکومت می‌کند) / اصلاح شود (مانند گزینه ۲)

عَيْنَ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِى الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«قِيلَ لِلَّذِينَ نَسُوا يَوْمَ الْبُعْثِ: هَذَا جَزَاءُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ!»:

(۱) به کسانی که روز رستاخیز را فراموش می‌کنند گفته می‌شود: این جزای شماست به دلیل آن‌چه انجام داده بودید!

(۲) به آن‌هایی که روز قیامت را از یاد برده‌اند می‌گویند: این است جزای شما به دلیل آن‌چه انجام می‌دادید!

(۳) به کسانی که روز رستاخیز را فراموش کردند گفته شد: این جزای شماست به‌خاطر آن‌چه انجام می‌دادید!

(۴) به آن‌هایی که روز قیامت را فراموش کرده‌اند گفته شد: این است جزای شما به‌خاطر آن‌چه انجام داده‌اید!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمهٔ کلمات مهم: «قیل»: گفته شد / «الذین»: کسانی که / «کنتم تعملون»: انجام می‌دادید

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): فراموش می‌کنند (فراموش کرده‌اند، «نَسُوا» ماضی است.) / گفته می‌شود (گفته شد، «قیل» ماضی مجهول

است.) / انجام داده بودید (انجام می‌دادید، «کان + مضارع»: ماضی استمراری)

گزینه (۲): می‌گویند (مانند گزینه ۱) / این است جزای شما (این جزای شماست.)

گزینه (۴): این است جزای شما (مانند گزینه ۲) / انجام داده‌اید (مانند گزینه ۱)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ»:

- ۱) همانا خداوند کسانی را که در راه او در یک صف مبارزه می‌کنند دوست دارد، آنان هم‌چون ساختمانی استوارند!
- ۲) همانا خدا آنانی را که در راهش در یک صف کشته می‌شوند دوست دارد زیرا آنان هم‌چون دژ استوارند!
- ۳) به راستی کسانی که در راه خداوند در یک صف می‌جنگند، دوستدار او هستند، چون همانند ساختمانی استوارند!
- ۴) خداوند مجاهدانی را که در راه او کشته می‌شوند دوست دارد. آنان هم‌چون یک ساختمان، استوارند!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «يُحِبُّ»: دوست دارد / «يُقَاتِلُونَ»: می‌جنگند، مبارزه می‌کنند / «كَأَنَّ»: هم‌چون / «بُنِيَانٌ مَرْصُوصٌ»: ساختمانی استوار

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): کشته می‌شوند («يُقَاتِلُونَ»: می‌جنگد) / «زیرا» اضافی است.

گزینه (۳): ساختار عربی تغییر کرده است.

۴) مجاهدانی («الَّذِينَ»: کسانی که) / کشته می‌شوند (مانند گزینه ۲) / استوارند («مَرْصُوصٌ» صفت است نه خبر) /

«صَفًّا» ترجمه نشده است.

عَيْنِ الْخَطَا عَنْ قِرَاءَةِ «ان» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) ان تعلموا بما تعدونه فلكم اجر عظيم عند الله! : (انَّ)
(۲) لا تنسوا ان علماً لا يقترن بالعمل مذموم! : (أَنَّ)
(۳) لا تتكلموا عند الغضب فانه مفسدة! : (إِنَّ)
(۴) ان الصبر من الرحمن فلا تعجلوا في أموركم! : (إِنَّ)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بعد از «إِنَّ» که حرف مشبهة بالفعل است، مستقیماً فعل نمی آید. از عبارت گزینه (۱) پیداست که ساختار شرطی دارد پس «إِنَّ» صحیح است: «اگر به آنچه وعده می دهید عمل کنید، نزد خداوند پاداش باشکوهی دارید.»

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه (۲): «أَنَّ» پل ارتباطی بین دو قسمت عبارت است: «فراموش نکنید که دانشی که با عمل همراه نشود، نکوهیده است.»

گزینه (۳): بعد از «ف» غالباً «إِنَّ» می آید و «فَإِنَّ» به معنای «زیرا» است: «هنگام عصبانیت صحبت نکند، زیرا آن مایه تباهی است.»

گزینه (۴): «ان» ابتدای جمله اگر بعدش اسم بیاید قطعاً «إِنَّ» است که معمولاً معنای تأکیدی دارد: «بی شک صبر از خداوند بخشاینده است، پس در کارهایتان عجله نکنید.»

عَيْنَ عِبَارَةٍ فِيهَا حَذْفُ الْفَاعِلِ:

(١) الْعُلَمَاءُ مُعْجَبُونَ بِمُشَاهَدَةِ الدَّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغُرُقِ!

(٢) انْكَسَرَتْ جَمِيعُ الْأَصْنَامِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ!

(٣) كَمْ تَمَرَّرَ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهْدًا!

(٤) قَدْ تُفْتَشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلْمَاتِ!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. «تُفْتَشُ» یک فعل مجهول است و فاعل آن حذف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): «أَنْقَذَ» فعل معلوم / گزینه (٢): «انْكَسَرَتْ» فعل معلوم / گزینه (٣): «تَمَرَّرَ» فعل معلوم

عَيْنَ الفعل المجرد الثلاثى فى محل الخبر:

(١) الذين يكذبون يشاهدون نتيجة كذبهم!

(٣) الذى علم الناس إلى علمه، أعلم الناس!

(٢) خصلتان لاتجتمعان فى مؤمن: البخل و الكذب!

(٤) القط يلعق جرحه عدة مرات حتى يلتئم!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. «يلعق» خبر و فعل ثلاثى مجرد

خبر در سایر گزینهها به ترتیب زیر است:

گزینه (١): «يشاهدون» فعل ثلاثى مزيد

گزینه (٢): «لا تجتمعان» فعل ثلاثى مزيد

گزینه (٣): «أعلم» خبر از نوع اسم

عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْحُرُوفِ الْجَارِيَةِ:

(١) للدلفين ذاكرة قوية فنعتبره حيواناً ذكياً!

(٣) عليك بذكر الله فإنه نور القلب!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. «لا» و «إلا» جزو حروف جر نیستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): «لِ» در «الدلفین» حرف جر است.

گزینه (٢): «فِي» و «كَ» در «كفاعله»، حرف جر هستند.

گزینه (٣): «عَلَى» در «علیک» و «بِ» در «بذکر»، حرف جر هستند.

(٢) الماشی فی سبیل الخیر کفاعله!

(٤) لا یبلغ المعالی إلا من یحاول كثيراً!

عَيْنَ الْأَصْحَ وِ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» مقصود الآية هو:

(۱) شکاریم یکسر همه پیش مرگ / سری زیر تاج و سری زیر ترگ

(۲) «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ»

(۳) این بود نصیب ما ز دیوان قضا / ما را چه گنه، نصیب ما این کردند

(۴) «مَا خُلِقَ الْإِنْسَانُ عَبْثًا»

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه عبارت سؤال: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده رها می‌شود؟! مفهوم عبارت این است که آفرینش (انسان و جهان) بی‌دلیل و علت نبوده است.

ترجمه گزینه (۲): انسان باید ببیند که از چه چیزی آفریده شده است!

ترجمه گزینه (۴): انسان بیهوده آفریده نشده است!

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمُ الْمُكْسِرَةَ! : هنگامی که مردم برگشتند، بت‌هایشان را شکسته شده دیدند!

(۲) لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ! : نه فقر مانند نادانی است و نه میراثی مانند ادب است!

(۳) «لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»: به کسانی که غیر از خدا را فرامی‌خوانند نباید دشنام بدهید!

(۴) قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ! : قرآن کریم با ما درباره مبارزه پیامبران با قوم‌های کافر خود صحبت کرده است!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «أَصْنَامَهُمُ الْمُكْسِرَةَ»: بت‌های شکسته شده خود

گزینه (۲): «لَا فَقْرَ»: هیچ فقری ... نیست. / «لَا مِيرَاثَ»: هیچ میراثی ... نیست.

گزینه (۳): «لَا تَسْبُوا»: دشنام ندهید

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الصَّحِيْحِ:

(١) عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل! : دشمنی عاقل از راستگویی جاهل بهتر است!

(٢) «يُعرف المجرمون بسيماهم»: «گناهکاران چهره‌هایشان شناخته می‌شود.»

(٣) العقل مُصلِح كلِّ أمر! : عقل اصلاح‌کننده هر کاری است!

(٤) الخفافيش تصنع وكناتها في جدار بيوت قديمة! : خفاش‌ها لانه خود را در دیوار خانه‌های قدیمی می‌سازند!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): «صداقة»: دوستی

گزینه (٢): ترجمه صحیح: گناهکاران با چهره‌شان شناخته می‌شوند.

گزینه (٤): «وكناتها»: لانه‌های خود

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الْخَطَأِ:

(۱) الْخَفَّاشُ مِنْ حَيَوَانَاتِ لَبُونَةِ تَرْضَعُ صَغَارَهَا! : خفاش از حیوانات پستانداری است که به کودکانشان شیر می‌دهند!

(۲) فِي خَلْقِ الْإِبْلِ عَجَائِبُ يَجِبُ أَنْ نَتَأَمَّلَ فِيهَا! : در آفرینش شتر شگفتی‌هایی هست که باید درباره آن اندیشه کنیم!

(۳) هُمْ يَعِيشُونَ خَلْفَ تِلْكَ الْمَسْتَنْقَعَاتِ عَيْشَةَ بَدَائِيَّةٍ! : کنار آن باتلاق‌ها آنها به‌طور بدوی زندگی می‌کنند!

(۴) تَحْرُكُ الْبُومَةِ رَأْسَهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ دُونَ تَحْرُكِ جَسْمِهَا! : جغد سرش را بدون تکان خوردن بدنش، در هر طرفی

حرکت داد!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه صحیح: پشت آن مرداب‌ها، آنها به‌طور بدوی زندگی می‌کنند.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«الأعمال الجماعية تؤدي دوراً مهماً في الوصول إلى أهداف يتبعها كل فريق!»:

(١) کارهای گروهی نقش مهمی در دستیابی به اهدافی که هر گروهی آنها را دنبال می‌کند، دارد!

(٢) کارهایی که گروهی انجام می‌شوند منجر به رسیدن به هدف‌هایی می‌گردد که هر گروهی آنها را دنبال می‌کند!

(٣) کارهای دسته‌جمعی در دستیابی به اهداف همه گروه‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کنند!

(٤) کارهای گروهی نقش مهمی را در رسیدن به هدف‌هایی که هر گروهی آنها را دنبال می‌کند ایفا می‌نماید!

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «تؤدي»: ایفا می‌کند / «الوصول»: رسیدن / «كل فريق»: هر تیمی

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): دستیابی (رسیدن، «الحصول»: دستیابی) / دارد (ایفا می‌کند)

گزینه (٢): کارهایی که گروهی انجام می‌شوند (کارهای گروهی، «الأعمال الجماعية» موصوف و صفت است.) / منجر

می‌گردد (ایفا می‌کنند، فعل «أدى» اگر با حرف «إلى» همراه شود به معنای «منجر شدن» است.)

گزینه (٣): دستیابی (مانند گزینه ١) / همه گروه‌ها (هر گروهی، اگر بعد از «كل» اسم مفرد نکره بیاید، «كل»

به صورت «هر» ترجمه می‌شود.) / «يتبعها» ترجمه نشده است.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«لَا تُسَمَّى الْأَبْيَاتُ الَّتِي قَدْ أَنْشَدْتَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فَقَطْ مُلَمَّعًا!»:

- (۱) ابیاتی را که فقط به زبان عربی سروده شده‌اند ملَمَّع نمی‌نامیم!
- (۲) بیت‌هایی را که تنها به زبان عربی سروده می‌شوند ملَمَّع نمی‌نامیم!
- (۳) آن ابیاتی را که فقط با کلمات عربی سروده شده‌اند ملَمَّع نمی‌نامند!
- (۴) نام ابیاتی که تنها به زبان عربی سروده شده‌اند، ملَمَّع نیست!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «الانسَمَى»: نمی‌نامیم / «قد أنشدت»: سروده شده‌اند (مجهول) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): سروده می‌شوند (سروده شده‌اند)

گزینه (۳): آن ابیاتی (ابیاتی)، معادل آن در جمله عربی وجود ندارد. / کلمات (زبان) / نمی‌نامند (نمی‌نامیم)

گزینه (۴): نام ابیاتی ... نیست (نمی‌نامیم)، در این جا فعل نباید به صورت اسم ترجمه شود.

عَيْنَ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«لَيْتَ الْمُسْلِمَ الْمَذْنُوبَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ لِدُنُوبِهِ حَتَّى يَتَخَلَّصَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ!»:

(۱) مسلمان گناهکار باید از پروردگارش برای گناهش طلب آمرزش کند تا از عذاب دردناک رها شود!

(۲) کاش مسلمان گناهکار برای گناهانش از پروردگارش طلب آمرزش نماید تا از عذابی دردناک رهایی یابد!

(۳) کاش مسلمانی که گناهکار است از پروردگارش برای گناهانش طلب آمرزش کند و از عذابی دردناک رها گردد!

(۴) شاید مسلمان گناهکار به خاطر گناهانش به سوی پروردگارش توبه کند تا او را از عذابی دردناک رها کند!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. کلمات مهم: «لیت»: کاش / «حتی يتخلص»: تا رها شود

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): باید (کاش) / گناهش (گناهانش) / عذاب دردناک (عذابی دردناک)

گزینه (۳): مسلمانی که گناهکار است. (مسلمان گناهکار) / و (تا)

گزینه (۴): شاید (مانند گزینه ۱) / به خاطر (برای) / توبه کند (طلب آمرزش کند) / او را رها کند (رها شود)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«وَأَدْخَلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ»:

(۱) با مهربانی‌ات من را در بندگان شایسته‌ات داخل کن!

(۲) من را با رحمت خود در بندگان که شایسته‌اند وارد کند!

(۳) با رحمت تو در بندگان صالحت وارد می‌شوم!

(۴) مهربانی تو من را در بندگان شایسته‌ات داخل می‌کند!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «أَدْخَلَنِي»: مرا وارد کن (أَدْخَلَ + «ن» وقایه + ی) / «عِبَادِكَ

الصَّالِحِينَ»: بندگان شایسته‌ات

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): بندگان که شایسته‌اند (بندگان شایسته‌ات) / وارد کند (وارد کن)

گزینه (۳): وارد می‌شوم (وارد کن، «أَدْخَلَ»: فعل ثلاثی مزید، مفرد مذکر مخاطب و متعدی است.)

گزینه (۴): مهربانی تو (با رحمتت به، «بِرَحْمَتِكَ»: مبتدا (نهاد) جمله نیست.) / داخل می‌کند (مانند گزینه ۳)

عَيْنَ الْخَطَا فِي نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

(١) (مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا): مفرد مذكّر - اسم المفعول (من الشكل الأوّل للأفعال) - نكرة / مفعول (مفعول به)

(٢) (وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلُونَ): اسم - جمع سالم - اسم التفضيل / خبر للمبتدأ «أنتم» و جملة «و أنتم الأعلون» جملة حالية!

(٣) (بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ): معرّف بآل - اسم المفعول من باب «إفعال» / مجرور به حرف الجرّ، «من المكرمين: جازّ و مجرور»

(٤) (قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ): اسم - جمع التكسير / مفعول (مفعول به)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت: هر کس مظلومانه کشته شود، برای ولی دَمَش قدرت قرار می‌دهیم.

فعل «قُتِلَ» مجهول است، پس قطعاً مفعول نمی‌گیرد. «مظلوماً» در این عبارت، حال است.

عیّن کلمه «تأثیر» تبیین کیفیة وقوع الفعل:

- (۱) إن في الأعمال الجماعیة تأثيراً يظهر نفسه في أسرع زمن ممكن!
- (۲) لمّا قمنا بقراءة دروسنا عدّة مرّات شاهدنا تأثيراً عظيماً في تقدّمنا!
- (۳) أثّرت أقوال الشيخ على أصحابه حيث أدّى هذا التأثير إلى إصلاح أمورهم!
- (۴) يؤثّر تناول العسل تأثيراً كبيراً في علاج الأمراض المختلفة!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مصدر زمانی می تواند مفعول مطلق نوعی باشد که اولاً از جنس و ریشه‌ی فعل جمله باشد، ثانیاً نقش دیگری نداشته باشد. بررسی گزینه‌ها:

- (۱) فعلی از ریشه‌ی «تأثیراً» در عبارت نیامده است، پس قطعاً مفعول مطلق نوعی نیست.
- (۲) فعلی از ریشه‌ی «تأثیراً» در عبارت نیامده است، ضمناً «تأثیراً» مفعول به فعل «شاهدنا» است.
- (۳) هر چند فعلی از ریشه‌ی «التأثیر» در عبارت آمده است، امّا مفعول مطلق هیچ گاه «ال» نمی گیرد.
- (۴) «تأثیراً» مصدر «یؤثّر» است و چون صفت «کبیراً» گرفته، مفعول مطلق نوعی است (سؤال مفعول مطلق نوعی را خواسته است).

(۱) كُن سَاعِيًا لِمُسْتَقْبَلِكَ دَائِمًا وَ أَنْتَ مَعْتَبِرٌ بِتَجَارِبِكَ فِي الْمَاضِي!

(۲) حَاوِلْ لِلْمُسْتَقْبَلِ مَطْمَئِنًّا أَنْ كُلَّ مَنْ جَدَّ وَجَدَّ!

(۳) مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الْأَمَارَةَ رَاجِيًا مَغْفِرَةَ اللَّهِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِدُونِ حِسَابٍ!

(۴) يَا بَنِي لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

(۱) «و أنت معتبر» جمله‌ی حالیه از نوع جمله‌ی اسمیه است.

دقت کنید: «ساعیاً» از نظر قواعدی به فعل «کن» مربوط است و نمی‌تواند حال باشد.

ترجمه: همیشه برای آینده‌ات تلاش‌گر باش در حالی که نسبت به تجربه‌هایت در گذشته پندگیرنده هستی.

(۲) «مطمئنًا» حال از نوع اسم است.

ترجمه: برای آینده تلاش کن در حالی که اطمینان داری که هرکس کوشش کند، می‌یابد. (موفق می‌شود).

(۳) «راجیاً» حال از نوع اسم است.

ترجمه: هرکس با نفس امّاره‌اش جهاد کند در حالی که به آمرزش خداوند امیدوار باشد، بدون حساب وارد بهشت می‌شود.

(۴) «مرحاً» حال از نوع اسم است.

ترجمه: ای پسر، شاد و خرامان و با غرور در زمین راه مرو که خداوند متکبران را دوست ندارد.

«الطلاب يذهبون إلى السفارة العلمية مع مدرّسيهم!» إذا أردنا أن تدلّ العبارة على البعيد في الفارسية فنقول

(۱) كان الطلاب يذهبون ...!

(۲) لعلّ الطلاب يذهبون ...!

(۳) ليت الطلاب ذهبوا ...!

(۴) قد ذهب الطلاب ...!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی عبارت سؤال: «دانش‌آموزان با معلمان‌شان به گردش علمی می‌روند.» اگر بخواهیم عبارت در فارسی بر (ماضی) بعید دلالت کند، می‌گوییم

ترکیب‌های «کان + ماضی»، «لیت + ماضی»، معادل ماضی بعدی در فارسی‌اند. (هر چند «لیت + ماضی» معنای ماضی استمراری هم می‌دهد.) فقط باید حواسمان باشد که فعل اصلی عبارت «یذهبون» مضارع است و در گزینه‌ها به همراه «کان» یا «لیت» باید فعل ماضی ببینیم. بررسی گزینه‌ها:

(۱) کان + مضارع ← ماضی استمراری (می‌رفتند)

(۲) لعلّ + مضارع ← مضارع التزامی (بروند)

(۳) لیت + ماضی ← ماضی بعید یا استمراری (رفته بودند، می‌رفتند)

(۴) قد + ماضی ← ماضی نقلی (رفته‌اند)

عَيْنَ حَرْفٍ مَشْبَهَةٌ بِالْفِعْلِ جَاءَ لِرَفْعِ الْإِبْهَامِ وَ تَكْمِيلِ الْمَعْنَى:

- (۱) (فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ)
(۲) (إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ)
(۳) (فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)
(۴) (أَوْ لِمَ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از بین حروف مشبّهة بالفعل، «لکن» برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله‌ی قبل از خودش به کار می‌رود. بررسی گزینه‌ها:

- (۱) «کأن» به معنای «گویی» و «مانند» است و غالباً برای تشبیه به کار می‌رود.
(۲) «لعل» به معنای «شاید، امید است که» می‌باشد و برای بیان امیدواری و آرزو به کار می‌رود.
(۳) «ولکن» به معنای «ولی، امّا» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام از جمله‌ی قبل از خودش به کار می‌رود.

- (۴) «أن» به معنای «که» است و دو جمله را به هم وصل می‌کند.

عَيْنَ المَعْرِفِ بِأَلٍ وَهُوَ فَاعِلٌ:

(۱) يَنْصُرُ اللّٰهَ مِنْ أَمْنٍ بِهِ حَقًّا بِشِدَاءِ الدَّهْرِ!

(۲) الكِتَابُ يَنْقُذُكَ مِنْ مِصِيبَةِ الجَهْلِ فَهُوَ صَدِيقٌ جَيِّدٌ جَدًّا!

(۳) كَانَ الأَعْرَابُ يَعْتَقِدُونَ بِأَشْيَاءٍ خِرَافِيَّةٍ فِي العَصْرِ الجَاهِلِيِّ!

(۴) يَعِجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الفُقَرَاءُ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(۱) «الله» فاعل است، ولی این کلمه معرفه از نوع علم محسوب می‌شود. «الدهر» معرفه به «ال» و مضاف‌الیه است.

(۲) «الكتاب» معرفه به «ال» و مبتدا و «الجهل» معرفه به «ال» و مضاف‌الیه است.

(۳) «الأعراب» معرفه به «ال» است. اما چون افعال ناقصه فاعل ندارند، این کلمه فاعل حساب نمی‌شود. «العصر» و

«الجاهلی» هر دو معرفه به «ال» و به ترتیب مجرور به حرف جرّ و صفت‌اند.

(۴) «الفقراء» معرفه به «ال» و فاعل «یفرح» است.

عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ صَيَغِ الْأَفْعَالِ:

(١) الإخوة تعاونت على العمل باقتراح الوالد!

(٢) أختاي ستسافران إلى مكة المكرمة بعد أسبوعين!

(٣) يجمعون الفلاحون المحاصيل بمساعدة الآلات المتقدمة!

(٤) أولئك النساء تُربِّي أطفالهنَّ على أساس مبادئ الإسلام!

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

(١) «الإخوة: برادران» جمع مکسر «أخ» و مذکر است ، پس «تعاونوا» صحیح است.

(٢) «أختاي: دو خواهرم» (در اصل «أختان + ي») مثنای مؤنث است و فعل «ستسافران» به درستی آمده است.

(٣) فعل سوم شخص ابتدا جمله اگر بعدش فاعل به صورت یک اسم مستقل، مثنی یا جمع باشد، به صورت مفرد می آید ، پس «یجمع» صحیح است. (الفلاحون ← فاعل)

(٤) «أولئك النساء: آن زنان» جمع مؤنث است ، پس فعل «يُربِّيْن» صحیح است.